مهسا گربندی
پرونده
جایزه معلم

زهرا سلیمانی | وقار حیدرجعفری | مصطفی اینانلو | میرحافظ حسینی | علی صیدی | آرام احمدپور

انتخاب ۶ نفر از معلمان برگزیده در «اختتامیه بین‌المللی جایزه معلم» بار دیگر اهمیت تعلیم و تربیت و جایگاه معلمان را یادآوری کرد

رسم آموزگاری

«مسئولیت و خلاقیت» لازمه تحول در آموزش

چهارشنبه هفته گذشته اولین جایزه بین‌المللی معلم اهدا شد و به دست شش نامزد برگزیده و شایسته تقدیر رسید؛ معلمانی که با وجود همه کاستی‌ها شغل‌شان را دوست دارند و برای بهترشدن روند تعلیم و تربیت اقدامات ویژه‌ای انجام داده‌اند. آنها منتظر هیچ جایزه‌ای نبوده‌اند و تنها به دلیل احساس مسئولیت و خلاقیتی که داشته‌اند، کارهایی را انجام داده اند که جریان مثبتی را در نظام آموزش کشور ایجاد کرده است. آرام احمدپور از استان آذربایجان‌غربی به عنوان معلم برتر ایران انتخاب شد، او دانش‌آموزان تارک تحصیل بسیاری را جذب کرده و با این کار، مسیر زندگی آنها را تغییر داده است. علاوه بر آن زهرا سلیمانی از استان زنجان به پاس تلاش معلمانه برای حفظ هویت فرهنگی، وقار حیدرجعفری از پاکستان به پاس تلاش برای دوستی بین مذاهب اسلامی، حجت‌الاسلام مصطفی اینانلو، معلم طرح «امین» در مدارس محله هرندی از استان تهران، علی صیدی از استان کرمانشاه به پاس تلاش معلمانه برای حفظ محیط زیست و میرحافظ حسینی از استان اصفهان به پاس تلاش ویژه برای معلمان مدارس استثنایی انتخاب شدند، البته اینها نمونه‌ای از معلمانی هستند که فراتر از شغل و وظایفی که برای‌شان تعریف شده است، قدم برداشته‌اند.

نقشی فراتر از معلمی

■ آقای آرام احمدپور ساکن استان آذربایجان‌غربی شهرستان اشنویه، نفر برتر اولین دوره بین‌المللی جایزه معلم شد. او دارای مدرک ارشد تاریخ است و تاکنون در روستای مرزی و عشایری «گلاز» در مقطع ابتدایی مشغول تدریس بوده است. این معلم درباره ماندگار شدن خود در روستای مرزی و عشایری گلاز می‌گوید: «هیچ گاه فراموش نمی‌کنم روزی را که در تابستان ۱۳۸۵ و بعد از فارغ‌التحصیل‌شدن از مرکز تربیت معلم شهید رجایی ارومیه به اداره آموزش و پرورش اشنویه مراجعه کردم و آنها مرا به علت نداشتن سابقه خدمت به دورترین روستای عشایری شهرستان، یعنی روستای گلاز فرستادند؛ روستایی سردسیر و کوهستانی که در ۱۶ کیلومتری شهرستان اشنویه واقع شده و هم مرز با کشورهای عراق و ترکیه است. روزهای اول تدریس خیلی به سختی می‌گذشت و فقط دعا می‌کردم سال تحصیلی سریع‌تر به پایان برسد، چراکه هم مسافت روستا زیاد و هم صعب‌العبور و خاکی بود. بدتر اینکه به علت بارش سنگین برف و کولاک شدید، رفت و آمد به روستا مختل می‌شد اما به مرور زمان و وقتی معنای زندگی با عشایر و لحظه لحظه بودن با این دانش‌آموزان را چشیدم، دل به آنها دادم و تصمیم گرفتم برای همیشه در کنارشان باشم.»

این معلم که در جهت جذب دانش‌آموزان تارک تحصیل روستای خود اقدامات ویژه‌ای را انجام داده است، اظهار می‌دارد: «سال دوم خدمتم در روستای گلاز بود که روز آغاز سال تحصیلی، متوجه شدم تعدادی از دانش‌آموزان سال قبل در مدرسه حضور ندارند، بعد از چند روز علت را جویا شدم که گفتند آنها ترک تحصیل کرده‌اند»!

او ادامه می‌دهد: «متأسفانه چرخه ناخوشایند ترک تحصیل، سال‌ها بود که در این روستا تکرار می‌شد، بنابراین در اولین قدم، در پی علل ترک تحصیل دانش‌آموزان برآمدم و بعد از آن برای تغییر نگرش اهالی نسبت به آموزش و پرورش و همچنین احساس مسئولیت آنها نسبت به آینده فرزندان‌شان، با اراده‌ای راسخ و خستگی‌ناپذیر کارهایی را انجام دادم، مثل برگزاری جلسات مستمر و هدفمند با اولیا، تأمین هزینه‌های تحصیلی دانش‌آموزان نیازمند، شاد کردن محیط مدرسه برای دانش‌آموزان با انواع روش‌های خلاقانه، دعوت از معلمان بومی جهت سخنرانی و بالابردن انگیزه دانش‌آموزان برای درس خواندن.»

آقای احمدپور که دیگر حاضر نیست این روستا را ترک کند، می‌گوید: «از ۱۸ سال قبل تاکنون، لحظه لحظه با این مردمان زندگی و سعی کردم گرهی از مشکلات‌شان باز کنم. در یک کلام من تلاش کردم نقشی فراتر از معلم بودن بازی کنم.»

درس مراقبت از محیط زیست

■ علی صیدی معلم زیست‌شناسی شهرستان جوانرود در استان کرمانشاه است. از آنجا که او دغدغه محیط زیست دارد، کارهایی را در این راستا به دانش‌آموزان خود آموزش و اقداماتی را نیز در این زمینه انجام داده است. او می‌گوید: «معتقد هستم هم در بیرون کلاس و هم داخل کلاس باید شعار و عمل معلم یکی باشد. من سراغ کارهایی رفتم تا به کمک دانش‌آموزان و برخی ارگان‌های شهری و نهادهای مردمی به نتیجه برسانم. مثلاً در حوزه کاشت بذر شاه بلوط و کاشت نهال و همچنین پاکسازی زباله‌ها در تفرج‌گاه‌ها اقداماتی را انجام دادیم که نتایج خوبی را به دنبال داشت.» او ادامه می‌دهد: «ما یکسری اکوسیستم‌های بکری داریم که متأسفانه به دلیل زباله‌های رها شده در خطر آسیب قرار گرفته است، برای همین به صورت خودجوش و جهادی و با کمک دانش‌آموزان و آموزش‌وپرورش به آنجا می‌رفتیم و کارهای پاکسازی را به صورت دسته‌جمعی انجام می‌دادیم.»

رشته آقای صیدی زیست‌شناسی با گرایش بیوشیمی است، اما چه شد که شغل معلمی را انتخاب کرد؟ او در این رابطه می‌گوید: «شاید هر کسی ناخودآگاه شغلی را انتخاب کند و در یک مسیری قرار گیرد که مثلاً معلم‌شدن برایش اجباری باشد اما بدون شک کسی که معلم می‌ماند، از اجبار نیست. معلمی باید با عشق همراه باشد. معلمی رفتار است. به عقیده من، کسی که در شغل معلمی می‌ماند، جنبه مادی این شغل را باید فراموش کند چرا که او عاشق است؛ عاشق حرفه و شغلی که دارد با آن زندگی می‌کند.»

مدارس و مؤسسات آموزشی یکی از مهم‌ترین مراکزی هستند که در طول سال تحصیلی، زباله زیادی تولید می‌کنند. از همین رو، تفکیک زباله در مدارس اهمیت ویژه‌ای دارد و اگر به درستی انجام شود، نقش مؤثری در ایجاد فرهنگ بازیافت و کمک به بازیافت زباله دارد. راهنمای تفکیک زباله در مدارس شامل نکاتی برای معلمان، مدیران، دانش‌آموزان، والدین و مسئولان آموزشی است که کمک می‌کند این کار پسندیده با دقت و تلاش بیشتری در مدارس انجام شود.

این معلم درباره دغدغه محیط زیستی خود می‌گوید: «تعلیم و تربیت مهم است. اگر بچه‌ها یاد بگیرند از محیط زیست مراقبت کنند و ارزش و احترام خاصی برای آن قائل شوند، آن وقت این فرهنگ در جامعه گسترده‌تر خواهد شد. به این ترتیب می‌توان بچه‌ها را به صورت کلی و جامع‌تر آماده کرد تا ادامه دهنده این راه حتی به صورت کیفی‌تر باشند.»

ساخت ابزار یادگیری نابینایان

■ میرحافظ حسینی از استان اصفهان، تلاش‌های ویژه‌ای را در مدارس استثنایی برای دانش‌آموزان با آسیب بینایی انجام داده است. او که خود از لحظه تولد نتوانسته است هیچ کجا را ببیند، مشکل دانش‌آموزان با مشکل بینایی را به خوبی درک می‌کند، برای همین تمام تلاشش را می‌کند تا مشکلات آنها را برای تحصیل کم کند. این معلم خوش‌ذوق که کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی را دارد، درباره ورود خود به شغل معلمی می‌گوید: «از سال ۱۳۹۲ لایق این شدم که وارد حوزه تعلیم و تربیت شوم. خودم را از جنس دانش‌آموزان روشن‌دل می‌بینم. گاهی اتفاقاتی می‌افتد که می‌فهمم دانش‌آموزانم، مرا به شدت باور کرده‌اند و اصلاً حرف‌هایم برای‌شان حجت است، برای همین به شدت مراقب آنچه می‌گویم، هستم.» او ادامه می‌دهد: «از نظر من دانش‌آموزان نابینا با دانش‌آموزان بینا هیچ تفاوتی ندارند، کافی است یکسری ابزار و تجهیزات در اختیار آنها قرار گیرد تا استعدادشان شکوفا شود. قصدم این است که دنیای دانش‌آموزان نابینا را به دنیای دانش‌آموزان عادی نزدیک کنم و کم‌وکاستی‌های‌شان را از بین ببرم.»

آقای حسینی اظهار می‌دارد: «با کمک مدیریت مدرسه که فضا در اختیار ما قرار داده و همچنین با کمک اولیا، نقشه جغرافیایی را ساختیم که دانش‌آموزان روشن‌دل بتوانند معنی اینکه دریای خزر در شمال کشور است و آن چیزی را که به صورت تئوری در کتب درسی‌شان آمده است به خوبی درک کنند. همچنین یک متر را ساختیم که معنی اندازه و سانتیمتر را برای آنها ملموس کرده است. همین‌ها باعث شده است برای درس خواندن ذوق و شوق پیدا کنند و آسیب بینایی‌شان را یک نوع محدودیت و مانع برای رسیدن به رؤیاهای‌شان ندانند.» این معلم درباره نحوه تدریس به دانش‌آموزان روشن‌دل می‌گوید: «در تمام این مسیر از خدا کمک خواسته‌ام به من «توان» و «صبر» بدهد. معلمان دانش‌آموزان با آسیب بینایی این چالش را پذیرفته‌اند که آموزش به آنها صبوری می‌خواهد. کتب درسی دانش‌آموزان عادی و نابینا یکسان است و آنها یک مدل درس می‌بینند، فقط جنس کتاب دانش‌آموزان نابینا به گونه‌ای است که با خط برجسته و استاندارد جهانی طراحی شده است. حال تصور کنید برای دانش‌آموز نابینا می‌خواهید منظومه شمسی را توضیح دهید که اینها بدون خلاقیت و ترسیم ذهنی برای دانش‌آموز راه دیگری ندارد و به شدت صبر و حوصله می‌خواهد.»

کمک به ساخت آینده‌ای بهتر

■ حجت‌الاسلام مصطفی اینانلو در منطقه هرندی استان تهران به کودکانی که آسیب‌دیده یا در معرض آسیب دیدن هستند کمک می‌کند تا مسیر بهتری را برای زندگی خودشان پیدا کنند. او که ۳۴سالش است و در همان محله مانده تا به باقی هم‌محلی‌هایش کمک کند، می‌گوید: «سال ۱۳۹۲ بود که برای پخش غذای نذری به پارک هرندی رفتم و معتادان زیادی را دیدم. از آن روز دلم می‌خواست کاری برای آنها و خانواده‌های‌شان انجام دهم. با خودم گفتم مسئولان می‌آیند و عکس‌شان را می‌گیرند، پس من و دانشجوهای جهادی هم برویم و کارها را دست‌مان بگیریم.»

آقای اینانلو ادامه می‌دهد: «تعلیم و تربیت خیلی مهم است، از نظر من باید از همه کسانی که در این زمینه نقش‌آفرینی می‌کنند، تقدیر شود. من فقط تلاش کردم از این قصه جا نمانم و کاری انجام دهم، برای همین سراغ کودکان کار محله‌مان رفتم و آنها را به سمت درس خواندن سوق دادم تا استعدادهای‌شان شکوفا شود و خودشان را از شرایط بد نجات دهند. از نظر من کارها باید طوری باشد که گداپروری نشود. فقط به افراد گرفتار کمک کنیم که دست‌های‌شان را روی زانوی‌شان بگذارند و بلند شوند و به دنبال آرزوهای‌شان بروند.»

او با بیان اینکه گاهی یک نفر، خانواده یا رفیق بد دارد، می‌گوید: «باید با بچه‌ها زندگی کرد و در درد آنها شریک شد. تا وقتی ندانیم مشکل بچه‌ها چیست، نمی‌توانیم به آنها کمک کنیم. برای همین این بچه‌ها را به اردو می‌بریم و در یک فضای دوستانه با آنها آشنا می‌شویم. برخی از آنها به مرور زمان، علاقه‌مند به حضور در مدرسه می‌شوند، برخی دیگر می‌پرسند کجا بروند تا فقط حال‌شان خوب شود، آن وقت به آنها پاتوق را پیشنهاد می‌دهیم.»

اما این پاتوق کجاست؟ آقای اینانلو در پاسخ این سؤال توضیح می‌دهد: «پاتوق در مسجد است. ما در مسجد کانونی را ایجاد کردیم که در آنجا «پانتومیم» و «مافیا» بازی می‌کنیم. این کارها به مرور زمان اعتماد ایجاد می‌کند و سبب می‌شود بچه‌ها دل‌شان بخواهد توانمند شوند و همیشه حال خوب را تجربه کنند. مسیرشان مشخص است؛ اینکه درس بخوانند یا کاری یاد بگیرند.» به گفته این معلم به مرور زمان بومی‌های محله و بازاری‌ها برای بهترشدن حال محله و هم‌محلی‌های‌شان کمک‌های مالی کردند و آقای اینانلو و هم‌تیمی‌هایش واسطه میان آنها و افراد آسیب‌دیده شدند.

درس دوستی شیعه و سنی

■ وقار حیدرجعفری معلمی است که در پیشاور پاکستان به دانش‌آموزان دبیرستانی درس می‌دهد. او ۵۳سال دارد و زبان انگلیسی و مذهبیات خوانده است. این معلم پاکستانی می‌گوید: «پدر و مادرم معلم بودند و من هم دوست داشتم معلم شوم.

در حال حاضر یک دبیرستان خصوصی دارم که همه تلاشم را می‌کنم همدلی و مهربانی میان دانش‌آموزان شیعه و سنی ایجاد کنم چراکه می‌دیدم در منطقه افراط و تفریط زیاد است و گاهی شیعه و سنی همدیگر را نمی‌شناسند و گاهی از یکدیگر نفرت دارند.»

او ادامه می‌دهد: «دیدم بهترین جا برای ترویج محبت و دوستی میان شیعه و سنی مدرسه است. وقتی دانش‌آموزان این همدلی را یاد بگیرند، آن را به خانواده، دوست و فامیل منتقل خواهند کرد و بعدها که به دانشگاه بروند، می‌توانند به ۱۰۰نفر دیگر این محبت را بیاموزند، پس این دو را در مدرسه متحد کردیم تا این اتحاد در بیرون از مدرسه هم ادامه پیدا کند.»

او درباره روش تدریس خودش اینگونه توضیح می‌دهد: «به دانش‌آموزان قرآن را یاد می‌دهم و می‌گویم ببینید این حکم خداست که می‌گوید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...»، پس همانطور که خداوند در قیامت درباره نماز و روزه سؤال می‌کند، حتماً درباره این چیزها هم سؤال می‌پرسد. به آنها می‌گویم که ایمان خالی کافی نیست، ما باید برای نزدیک‌شدن قلب‌های تشیع و تسنع، مشترکات دینی‌مان را پررنگ کنیم و در برابر دشمن به قرآن تمسک بجوییم.»

این معلم پاکستانی با بیان اینکه دانش‌آموزان مدرسه‌اش مسالمت‌آمیز کنار یکدیگر درس می‌خوانند، می‌گوید: «طوری با دانش‌آموزان رفتار کرده‌ایم که حالا با هر مذهبی که دارند؛ شیعه یا سنی، راه‌شان با یکدیگر مشترک است، آنها دیگر می‌دانند که شاید مسیر متفاوتی داشته باشند اما هدف‌شان یکی است، پس اگر می‌خواهند به دیگری مسیر را نشان دهند، شاید او قبول نکند، بنابراین نباید از یکدیگر نفرت داشته باشند، چون منزل‌شان یکی است.»

این معلم دلسوز و دغدغه‌مند که فراتر از مرزها فکر و رفتار کرده است، می‌گوید: «معلمی را با جان و دل دوست دارم و این شغل هیچ‌گاه خسته‌ام نمی‌کنم. پیامبر(ص) به ما مسلمانان گفته است اگر علم را تقسیم کنیم، زیادتر خواهد شد و من برای همین وارد میدان تعلیم و تربیت شده‌ام.»

برگزاری کلاس تاریخ در موزه

■ زهرا سلیمانی، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و دانشجوی مقطع دکترا در رشته تاریخ ایران است. او ۱۸ سال سابقه خدمت آموزشی و اجرایی به عنوان دبیر، مدیر آموزشگاه و معاون مجتمع آموزشی دارد و هم‌اکنون به عنوان مؤسس و مدیر موزه فرهنگ و تاریخ و پرورش استان زنجان فعالیت می‌کند. خانم سلیمانی می‌گوید: «به نظر من باید با دانش‌آموز ارتباط دوستانه برقرار کرد و درک متقابل میان او و معلم شکل بگیرد تا با این تعاملات کلاس خوبی سپری شود.»

او ادامه می‌دهد: «روش تدریس من پژوهش‌محور است. نهایت تلاشم این است که دانش‌آموزان به عنوان پژوهشگر در هر حیطه مطالعاتی که هستند، وارد شوند و بتوانند به صورت کاربردی به آموخته‌های خودشان جامه عمل بپوشانند.»

این خانم معلم ادامه می‌دهد: «با پیشرفت علوم و داده‌هایی که دانش‌آموزان دریافت می‌کنند، کتاب‌های درسی کافی نیست، دانش‌آموزان باید در موقعیت‌هایی قرار بگیرند تا تمام یافته‌های کتب درسی را به صورت کارورز به کار گیرند. با توجه به همین مورد، موزه‌ای را تحت عنوان موزه فرهنگ و تاریخ تأسیس کردم که در آن اسناد آموزش‌وپرورش به صورت تصویری و نوشتاری، ابزارهای آموزشی، کتب درسی از ابتدای شکل‌گیری مدارس نوین تا امروز در معرض نمایش قرار دارد؛ محیطی که برای دانش‌آموزان بسیار لذتبخش است. دانش‌آموزان زمانی که همراه با دبیر به موزه می‌آیند، جایی را به عنوان کلاس تاریخ مهیا کرده‌ایم تا کلاس تاریخ روزشان را در موزه سپری کنند و به طور عملی روزنامه‌ها و نشریات تاریخی را ببینند.»

او اظهار می‌دارد: «هدف من از بابت تأسیس موزه فرهنگ و تاریخ آموزش‌وپرورش استان زنجان این بود که هویت ایرانی-اسلامی را بازآفرینی کنم و در میان دانش‌آموزان و نسل نوجوان و جوان به آن جایگاه بدهم.»

خانم سلیمانی درباره شغل معلمی می‌گوید: «معلمی عشق است، به نظر من کسی می‌تواند معلم موفقی باشد که با دل خودش، با عشقی که به دانش‌آموزان و تدریس دارد به فعالیتش ادامه دهد. به معلمی نباید به صورت شغل نگاه کرد. قبل از هر چیز، معلم باید جایگاه خودش را به روشنی درک کند. «معلم» در جایگاهی قرار دارد که دانش‌آموزان بعد از حضور در خانواده بیشترین ساعت را با او می‌گذرانند، پس او همیشه به عنوان یک الگو برای دانش‌آموزان است. اگر معلم آراسته، علاقه‌مند به کسب علم و متخصص باشد، قطعاً به طور مسری به دانش‌آموزان منتقل می‌شود.»

تکریم شأن معلم ضامن آینده‌ای روشن

تعلیم و تربیت اهمیت زیادی دارد و معلم نقش پررنگی در این زمینه ایفا می‌کند. حال معلم که خوب نباشد، حال مدرسه خوب نیست و آن وقت نمی‌توان به بهبود وضعیت تعلیم و تربیت امید داشت. بنیاد «برهان» طی دهه گذشته به عنوان یک نهاد عام‌المنفعه و مردمی، فعالیت‌هایی را در زمینه بهبود وضعیت نظام تعلیم و تربیت انجام داده که یکی از این فعالیت‌ها تمرکز بر جایگاه اجتماعی معلم است. این بنیاد برای ارتقای جایگاه معلم با بهره‌گیری از تجربیات بین‌المللی و داخلی، جایزه‌ای بین‌المللی را با محوریت نقش معلم بنیانگذاری کرده است. در واقع «جایزه معلم» عنوان جایزه‌ای عام‌المنفعه و مردمی است که سالانه به یک معلم یا چند معلم به طور مشترک اهدا می‌شود. هدف اصلی از این کار نیز تکریم و تقویت شأن اجتماعی معلم است.

چهارشنبه هفته گذشته مراسم اختتامیه اولین دوره بین‌المللی جایزه معلم در سالن همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار شد، محمد آزین، دبیر «جایزه معلم» با بیان اینکه در این دوره، بالغ بر ۸۰هزار معرفی معلم صورت گرفت، گفت: «بیش از ۱۲هزار نامزد رویداد جایزه معلم در اولین دوره شناسایی شدند که از بین این افراد، ۹۹نفر از منتخبان از ۱۷ کشور دیگر بودند.»

او ادامه داد: «این اختتامیه نقطه آغاز ما برای برداشتن گام‌های مؤثر دیگر خواهد بود. این جایزه به جامعه نشان می‌دهد آینده هر فرد در اختیار معلم است.»

آزین به موضوع فلسفه جایزه معلم اشاره و اظهار کرد: «جایزه معلم نه یک تقدیر سازمانی و نه یک ارزیابی حرفه‌ای است بلکه یک وجه رسانه‌ای دارد.»

او افزود: «جایزه معلم یک حرکت اجتماعی است که در یک جایزه متبلور می‌شود. جایزه معلم، جنبه اجتماعی و گفتمان‌سازی دارد و فعالیت‌های جریان‌ساز بسیاری پیرامون این جایزه اتفاق می‌افتد.»

دبیر اولین دوره بین‌المللی جایزه معلم با بیان اینکه ۱۲هزار و ۴۶۱ معلم در این جایزه شرکت کرده‌اند، گفت: «جایزه معلم می‌خواهد به جامعه نشان دهد آینده تو در اختیار معلمان است.» آزین ادامه داد: «پرورش انسان به دست معلمان رخ می‌دهد و جایزه معلم می‌خواهد توجهات را به معلمان و اهمیت آموزش‌وپرورش جلب کند.»

■ شکوفایی هر جامعه دست معلمان است

رضامراد صحرایی، وزیر آموزش‌وپرورش نیز در جشنواره بین‌المللی جایزه معلم حضور داشت. او گفت: «از بین همه مشاغلی که انسان‌ها در حیات خود انتخاب کرده‌اند، معلمی برترین شغل است، البته معلمی را ما انتخاب نکرده‌ایم بلکه ما برای این وظیفه آسمانی انتخاب شده‌ایم.»

او با اشاره به اینکه ویژگی معلم روشنگری است، گفت: «معلم کسی است که مأموریتش بر کندن دردهای بی‌درمان بشریت است. جای دیگری امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: معلمی با اساس شر می‌جنگد، بنابراین معلمان شایستگی بالاترین تقدیرها را دارند و باید دستان‌شان را بوسه زد تا آینده را به خوبی بسازند.»

وزیر آموزش‌وپرورش افزود: «باور من بر این است که شکوفایی آینده هر جامعه به میزان منزلت معلمان آن جامعه است. هر چه جایگاه معلم بالاتر باشد، آینده بهتر و درخشان‌تری در انتظار آن جامعه است.»

صحرایی خاطر نشان کرد: «از برگزاری این آیین خودجوش و کاملاً مردمی از صمیم قلب تشکر می‌کنم.»

■ اهمیت تجربه‌نگاری معلمان

محمدعلی نادی، معاون دانشگاه آزاد اسلامی در این مراسم اظهار کرد: در سال‌های گذشته نقشی که فعالیت معلمی باید ثبت می‌کرد و در کشور به عنوان فعالیت متعالی شناخته می‌شد، آنگونه که باید انجام نشد. وی افزود: همواره در کنفرانس‌ها بر اهمیت نقش معلمی تأکید می‌شود اما کمتر توانسته‌ایم آن را در سطح جامعه تبیین کنیم.

معاون دانشگاه آزاد اسلامی بیان کرد: چند بخش دیگر باید به جایزه معلم اضافه شود که از آن جمله می‌توان به تجربه‌نگاری معلمان اشاره کرد. آنچه از سوی معلمان در مدارس کشور اتفاق می‌افتد، به دلیل عدم‌ثبت آنها در آینده استفاده نمی‌شود، در حالی که سال‌ها طول می‌کشد تا به روش تدریس و روش تربیتی آنها برسیم و آن را مجدداً کشف کنیم. نادی گفت: تجربه‌نگاری باعث می‌شود آنچه معلمان در سال‌های خدمت انجام می‌دهند، در قالب محتوا چاپ و به نسل جدید معلمان منتقل شود، همچنین بهتر است فرایند جایزه معلم را در حوزه‌های مختلف موضوعی دنبال کنیم.

■ روایت معلمان با خوانی و با زتعریف می‌شود

در اختتامیه جشنواره بین‌المللی جایزه معلم، ژما جواهری‌پور، عضو هیئت داوران انتخاب معلم سال نیز گفت: «انتخاب معلم نمونه از سوی دستگاه‌های دولتی رسمی یعنی آموزش‌وپرورش بر اساس معیارهای خاص تعریف می‌شود. بنیاد برهان تصمیم گرفت با رویکرد جدید این انتخاب را انجام دهد و بر اساس نیازها و نظام مسائل تعلیم و تربیت کشور معلمان برتر و نمونه انتخاب شدند.» او درباره نحوه معرفی معلمان و انتخاب آنها اظهار داشت: «حدود ۷۴هزار معلم از طریق شاگردان، مسئولان و مدیران به فرایندهای داوری معرفی شدند و حدود ۱۳هزار فرم از سوی معلمان تعریف شد. ۱۶۷نفر پس از بازخوانی فرم‌ها به مصاحبه برخط رسیدند و با تعدادی از داوران آنها روایت را انجام دادیم و سپس در جلسات گوناگون ۳۶نفر به اردوی دوروزه دعوت شدند که بسیار رضایت‌بخش بود.» به گفته جواهری‌پور، کمیته داوری وعده بازخوانی و بازتعریف روایت‌های معلمی را داد که امروز در جمع معلمان برتر و نمونه حضور ندارند.